

## تحلیل فقهی، حقوقی تاثیر ادله ی اثبات بر مجازات رجم در نظام کیفری ایران

فریده اکبرزاده<sup>۱</sup>، جهانبخش غدیری<sup>۲</sup>

نویسنده مسئول:  
فریده اکبرزاده



### چکیده

زنای محصنه، اگر به اثبات برسد، ممکن است به مجازات سنگسار منتهی شود. پیش‌بینی این‌گونه مجازات‌های سنگین، به دلیل جنبه بازدارندگی آن است؛ زیرا دامنه مفاسد مترتب بر زنا، به خصوص زنا ی محصنه، ابعاد مختلف زندگی دنیوی و اخروی، مادی و معنوی و فردی و اجتماعی انسان و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای بوده که محقق به دنبال بررسی ادله اثبات رجم در فقه و حقوق هست تا روشن شود که تردید در مشروعیت رجم جایگاه فقهی ندارد. گرچه وجود برخی مصالح می‌تواند مانع اجرای آن شود ولی چنین مصلحتی باید قطعی باشد و افراد ذیصلاح آنرا تشخیص دهند که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. نویسنده تلاش کرده تا با بررسی مبانی فقهی و حقوق رجم موضوع فوق را به صورت کاربردی مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و با توجه به حساسیت اجرای رجم در جوامع بین‌المللی پس از نتیجه‌گیری موضوع چند پیشنهاد کاربردی را بیان کرده است.

**کلمات کلیدی:** رجم، حقوق، فقه، اجماع، سنگسار و زنا.

## مقدمه

«رجم» یکی از مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی و به معنای سنگسار کردن و در مورد یکی از جرایم مشمول حدود اعمال می شود. در قرآن هم حکم آن بیان نشده است. اما در ماده ۸۳ مجازات، زنا محصنه، حد رجم مقرر گردید که رجم از سال ۶۱ تصویب قانون حدود، وارد حقوق جزایی ایران شده است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۸۸).

رجم در لغت به معنای کشتن با سنگ است و در اصطلاح، نوعی مجازات حدی است که به موجب آن محکوم علیه سنگسار می شود.

در رجم نتیجه اجرا، حدوث مرگ به طور قطع نیست بلکه ممکن است محکوم از گودال فرار کند؛ در این صورت چنانچه جرم با اقرار متهم اثبات شده باشد محکوم رها می شود و مرگ حادث نمی شود (آقای جنت مکان، ۱۳۹۲).

رجم با استفاده از روایات وارده از سیره رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) به اثبات رسیده است. ادله اثبات زنا محصنه اقرار مرتکب و بینه است. برای اجرای حد رجم گودالی حفر و محکوم، اگر مرد است تا کمر و اگر زن باشد، تا نزدیکی سینه در آن دفن می گردد. رجم را نمی توان با بی هوشی یا بی حس کردن محکوم و یا به صورت غیر علنی و در خفا اجرا نمود، زیرا که درد کشیدن محکوم و علنی بودن اجرا و لزوم شرکت دیگران برای اجرا، مشاهده و عبرت گیری آنان، از خصوصیات رجم است. اجرای بی حسی یا بی هوش نمودن محکوم و یا تبدیل رجم به قتل، موجب محرومیت وی از حق فرار می گردد.

روش اثبات زنا منحصر به دو روش است: شهادت شهود یا اقرار مجرم. پس از حصول شرایط ثبوتی زنا محصنه، اگر مرد یا زن متأهل برخوردار از همسر حلال و بی مانع، به گناه زنا آلوده شوند و در «فضایی کاملاً آزاد»، «چهار مرتبه»، «نزد حاکم» به این عمل خود «اقرار» کنند، یا «چهار شاهد عادل، عیناً این عمل زنا را با خصوصیاتش مشاهده کرده باشند» و در محضر حاکم شرع گواهی دهند، زنا محصنه اثبات می شود. با وجود همه شرایط سخت گیرانه درباره ثبوت و اثبات حکم سنگسار، وقتی با تمام این شرایط حکم سنگسار ثابت و صادر شد، شرایط اجرایی حکم سنگسار نیز به گونه ای است که سیاست خاص اسلام را نشان می دهد که بهانه های مشروعی را برای اجرا نکردن کامل این حکم پیش بینی کرده است (زراعت، ۱۳۹۳).

در ماد ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ آمده است: حد زنا برآ زن محصنه و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان، اجرا رجم با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق بر هر یک می باشد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

قانونگذار در ماده ۲۲۵ قانون جدید صراحتاً آورده است که: حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. البته در ادامه این ماده تغییرات جدیدی را شاهد هستیم به این صورت که در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد (همان: ۱۲۳).

بدین ترتیب:

- ۱- مجازات اصلی و اولیه زنا محصن و محصنه مانند قانون سابق رجم می باشد.
  - ۲- ممکن است تحت شرایطی مجازات رجم قابل اجرا نباشد. به نظر می رسد منظور قانونگذار از این عبارت (عدم امکان اجرای رجم) تلطیف مقررات مربوط به مجازات رجم با توجه به اسناد حقوق بشر و فشارهای بین المللی باشد. ضمن اینکه نظر برخی از فقهای معاصر در توصیه به عدم اجرای مجازات رجم در حالتی که موجب وهن اسلام است، مد نظر قانونگذار بوده است. در کل عبارت عدم امکان اجرا بسیار مبهم می باشد!
  - ۳- ظاهراً تشخیص عدم امکان اجرا ابتدائاً با قاضی صادرکننده حکم قطعی می باشد.
  - ۴- درخواست عدم امکان اجرا بعد از تشخیص قاضی صادرکننده حکم قطعی، باید به رئیس قوه قضائیه ارسال و به موافقت ایشان برسد.
  - ۵- پس از تأیید عدم امکان اجرا توسط ریاست قوه قضائیه، چند حالت قابل بحث است:
- الف - زنا محصن با اقرار ثابت شده باشد: در این حالت مجازات مرتکب (زانی یا زانیه) صد ضربه شلاق حدی خواهد بود (شامبیاتی، ۱۳۷۲: ۲۵۳).

ب - زناى محصن با بينه ثابت شده باشد. ظاهراً منظور از بينه مجموع شهادت هاى لازم براى اثبات جرم زناى محصنه مى باشد که طبق ماده ۱۹۹ جديد شهادت ۴ مرد عادل يا شهادت ۳ مرد عادل به علاوه ۲ زن عادل مى باشد. در اين حالت مجازات زانى يا زانيه اعدام خواهد بود.

ج - زناى محصن با علم قاضى ثابت شده باشد : با توجه به منطوق ماده ۲۲۵ در اين خصوص نيز بايد قائل به عدم اعدام و جارى شدن صد ضربه شلاق بر مرتكب شد.

۶- دليل مجازات اعدام در بحث بينه مبانى فقهى موضوع مى باشد که بعد از اثبات زناى محصن با شهادت شهود، امکان انکار يا فرار از گودال که موجب سقوط رجم مى شود، وجود ندارد. و در هر حال بايد از مرتكب به طريق رجم سلب حيات شود. براى همين قانونگذار نتيجه مجازات رجم در اين حالت را که اعدام مى باشد، به طريق ديگرى غير از رجم تجويز نموده است (شمس، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

بدین ترتیب قانونگذار در قانون جديد اصل را بر اجراى مجازات رجم در مورد زناى محصن و محصنه قرار داده است که قاضى صادرکننده حکم قطعى تحت شرايطى مبهم مى تواند با موافقت رئيس قوه قضاييه در شکل اين مجازات تغييراتى به شرح موارد فوق ايجاد نمايد.

اين ماده به رغم اجماع فقها در لايحه قانونى، مجازات اسلامى وجود نداشت و حتى شورى نگهبان در قانون که در سال ۱۳۹۰ تأييد شد و براى انتشار در روزنامه رسمى به رئيس جمهور ابلاغ گرديد ايراد بر اين مسئله نگرفت اما زمانى که اين قانون، از رئيس جمهور مسترد شد به آن، الحاق گرديد. حذف سنگسار به عنوان مجازات زنا محصنه و حذف زنا محصنه به عنوان جرم از لايحه قانونى، مجازات اسلام که به تأييد شورى نگهبان رسيد (همان: ۱۶۷).

در واقع ماده ناظر بر ارتباط نامشروع زن، و مرد متأهل با شخص ثالث به عنوان زنا محصنه را حذف و مجازات ناظر بر آن، يعنى سنگسار را نيز از چهارچوب قانون، مجازات اسلام حذف کرد بايد اضافه کرد که در لايحه قانون، مجازات اسلام حدود ارتداد و رجم بيان، نشده اما صريحاً بيان شده است. چنانچه جرايمى که مستحق اجرا چنين حدود باشد اتفاق بيافتد مطابق اصل ۱۶۷ قانون، اساسى بيان عمل شود. بر اساس اصل ۱۶۷ قانون، اساسى قاضى موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانين مدون، بيايد و اگر نيابد با استناد به منابع معتبر اسلامى يا فتاوى معتبر حکم را صادر کند و نمى تواند به بهانه سکوت يا نقص يا اجمال يا تعارض قوانين مدون از رسيدگى به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد (عاليخانى، ۱۳۷۴: ۲۹۶).

بنابراين اگر جرمى رخ دهد که مستحق اجرا اين حدود باشد از آنجا که در قانون جديد به اين حدود اشاره نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون، اساسى قاضى بايد به فتاوى مشهور مراجعه کند که در اين قانون، به صراحت بيان، شده است که قاضى به فتواى ولى فقيه مراجعه کند.

#### ادلهى اثبات زناى مستوجب رجم در فقه و حقوق

اصولاً اثبات هر جرمى منوط به دليل هست، اما در رسيدگى به مسايل كيفرى و جمع آورى دلايل جرم، قاضى مأمور اجراى قوانين جزايى برخلاف قاضى مأمور رسيدگى به مسايل مدنى نقش فعالى در جمع آورى دلايل براى کشف حقيقت و اثبات جرم دارد ضمناً براى حفظ حقوق و آزادى متهم و احترام به بى گناهمى افراد، در صورتى که دلايل اتهام براى اثبات جرم کافى نباشد متهم ببايستى آزاد شود. از طرفى چون در حال حاضر سيستم جزايى دادرسى در ايران در مورد جمع آورى دلايل راجع به جرم، آميزه اى از سيستم كيفرى اسلام و حقوق موضوعه غير اسلامى است زيرا از يك طرف به تبعيت از سيستم دادرسى اسلامى جمع آورى دلايل راجع به جرايم به روش اتهامى و با استفاده از دلايل قانونى مانند «اقرار، بينه، قسامه» صورت مى گيرد و در اين روش قاضى در ارزيابى و سنجش اين گونه دلايل براى اثبات جرم در صورت وجود آنها مکلف به صدور حکم هست و از طرفى ديگر با توجه به مقررات قانون آيين دادرسى كيفرى که قانونگذار اسلامى به دفعات در وضع مقررات مربوط به تشکيلات دادگاه و آيين دادرسى مربوط به آن، از قبيل قانون تشکيل دادگاه هاى عمومى و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ رعايت مقررات قانون آيين دادرسى كيفرى را در کنار اين گونه مصوبات لازم الرعايه کرده است: بدین لحاظ در حال حاضر سيستم دادرسى كيفرى جمهورى اسلامى ايران تنها مبتنى بر سيستم قانونى بودن دلايل نيست بلکه قاضى كيفرى در رسيدگى خود در مواردى که دلايل قانونى در دست نباشد بايد از ساير ادله مانند تحقيقات محلى، معاينات محلى، جلب نظر کارشناس و ... براى اثبات جرم زنا استفاده کند (وليدى، ۱۳۷۱: ۱۰۷).

در اين مبحث دلايل اثبات جرم زناى مستوجب رجم را از ديده گاه فقهى مورد بررسى قرار مى دهيم.

## گفتار اول: ادله‌ی اثبات زنا‌ی مستوجب رجم در فقه

## بند اول: اقرار

## ۱- تعریف اقرار و کمیت و کیفیت آن

از نظر فقهای شیعه اقرار به زنا در صورتی طریق اثبات است که مرتکب آن - زانی یا زانیه - چهار بار که به عمل کذاپی اقرار نماید و برخی از فقهای عظام علاوه بر اعتبار چهار مرتبه، گفته اند معتبر است «چهار جلسه باشد» اصل اعتبار تکرار اقرار در چهار دفعه مورد اتفاق فقهای شیعه هست و شرط تعدد مجلس اتفافی نیست، از شیخ الطائفه و ابن حمزه اعتبار تعدد مجالس نقل شده و امام بزرگوار در تحریر الوسيله احتیاط مستحیی دارد.

اعتبار اقرار چهار مرتبه در روایات فرقی از حد استفاضه می گذرد مناسب است که خبر مربوط به ماعزبن مالک را نقل کنیم از سنن بیهقی در جواهر نقل می کند:

إِنَّ مَاعِزَ بْنَ مَالِكٍ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي زَنَيْتُ، فَأَعْرَضَ عَنْهُ، ثُمَّ جَاءَ مِنْ شِقَّةِ الْإِيْمَنِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي قَدْ زَنَيْتُ ثُمَّ جَاءَهُ فَقَالَ: إِنِّي قَدْ زَنَيْتُ، قَالَ: ذَلِكَ أَرْبَعُ مَرَاتٍ، فَقَالَ: أَيْكَ جُنُونٌ؟ قَالَ: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: فَهَلْ أَحْضَنْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذْهَبُوا بِهِ فَارْجُمُوهُ، وَرُؤْي أَنَّهُ قَالَ: لَعَلَّكَ قَبَلْتَ أَوْ عَمَزْتَ، أَوْ نَطَرْتَ قَالَ: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَنْكَتَهَا لَا تُكْنِي؟ قَالَ: نَعَمْ، كَمَا يَغِيْبُ الْمَرُودُ فِي الْمَكْحَلَةِ وَالرَّشَا فِي الْبَيْتْرِ، قَالَ: فَهَلْ تَدْرِي مَا الرَّزْنَا؟ قَالَ: نَعَمْ، أَتَيْتُ مِنْهَا حَرَامًا كَمَا يَأْتِي الرَّجُلُ مِنْ إِمْرَأَتِهِ حَلَالًا، قَالَ: مَا تَرِيدُ بِهَذَا الْقَوْلِ؟ قَالَ: «أُرِيدُ أَنْ تُطَهِّرَنِي، فَأَمَرَ بِهِ فُرْجِمَ» سبزواری، ۱۳۶۲: ۸۸).

ترجمه: «ماعزبن مالک خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید، عرض کرد. یا رسول الله، من زنا کرده ام. پیغمبر اکرم از وی روی برگرداندند، سپس از جانب راست پیغمبر آمد و عرض کرد من زنا انجام داده ام، پیغمبر گرمی رو برگرداندند سپس آمد و عرض کرد: زنا کرده ام، دیگر بار آمد، عرض کرد زنا کرده ام، رسول الله فرمودند: این چهار بار است، آیا جنون داری؟ عرض کرد: نه، یا رسول الله فرمودند: همسر داری؟ عرض کرد: بلی، آن گاه رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: که او را ببرند و رجمش کنند و روایت شده که آن حضرت به وی فرمودند: گویا بوسیده ای، و یا لمس کرده ای، و یا لمس و فشار داده ای، و یا نگاه کرده ای؟ عرض کرد: نه یا رسول الله، فرمودند: دخولش کرده ای کنایه نمی گوئی؟ عرض کرد بلی دخولش نموده ام آن چنان که میل در سرمه دان و ریسمان در چاه پنهان می گردد فرمودند: یا میدانی زنا چیست؟ عرض کرد: بلی، به حرام از آن زن کام گرفتم آن چنان کامی که مرد از طریق حلال از همسرش می گیرد، فرمودند: با این گفتار چه مقصد داری؟ عرض کردم: قصد این است که تطهیرم فرمایی. پس فرمان دادند و رجمش نمودند». تعبیر رسول الله از «ذلک اربع مرات» تقریباً صراحت دارد در اعتبار چهار مرتبه اقرار در ثبوت زنا و فهمیدن تعدد مجالس اقرار مشکل است. بر مبنای اعتبار چهار مرتبه اقرار در ثبوت زنا، چنان چه کمتر از چهار مرتبه اقرار کند کیفر حد ثابت نمی شود ولی مستوجب تعزیر است زیرا عموم «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» یعنی: «اقرار عقلاء بر ضررشان نافذ است» شامل چنین شخصی می گردد چه آن که با اقرار وی معصیت ثابت است این که مستوجب کیفر شرعی زنا نیست به خاطر اجماع و اخبار است که اقرار کمتر از چهار بار را موجب حد ندانسته اند به هر حال با اقرار کمتر از چهار بار فسق و معصیت او ثابت و مستحق تعزیر است ممکن هست اشکال شود که بر ثبوت تعزیر، نص و اجماعی نداریم لذا ثبوت تعزیر مورد تردید است و اصل برائت، اقتضاء عدم ثبوت تعزیر دارد و ظاهراً تردید مرحوم اردبیلی و اصهبانی مستند به اصل برائت مذکور است و حتی مرحوم اردبیلی متمایل به عدم ثبوت تعزیر است. چنان که امام بزرگوار نیز در تحریر بر این عقیده است (محمدی گیلانی، ۱۳۶۱: ۳۸).

## ۲- شرایط مقرر

یکی از طریق اثبات زنا اقرار مرتکب زنا است، در صورتی اقرار می تواند موجب ثبوت زنا شود که مقرر شروط معتبره ی زیر را واجد باشد، و گرنه اقرارش بلا اثر است:

۱- این که مقرر بالغ باشد.

۲- عاقل باشد.

۳- حرّ و آزاد باشد بنابراین اقرار غیر بالغ و دیوانه اعتباری ندارد.

۴- این که اقرار کننده با اختیار اقرار نماید پس اگر اقرارش از روی اکراه باشد بلا اثر است و در اعتبار این شرط نیز خلاف و اشکالی نیست بین اعلام؛ و از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز روایت شده:

«مَنْ أَقْرَأَ عِنْدَ تَجْرِيدٍ أَوْ حَبْسٍ أَوْ تَخْوِيفٍ أَوْ تَهْدِيدٍ فَلَا حَدَّ عَلَيْهِ» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

ترجمه: «کسی که به واسطه ی سلاح عریان یا حبس، یا ترسانیدن و تهدید اقرار کند، کیفری بر وی نیست».

۵- از نظر فقهای شیعه، اقرار به زنا در صورتی طریق اثبات است که مرتکب آن زانی یا زانیه چهار بار به عمل کذایی اقرار نماید شهید اول هم در مورد اوصاف مقرر معتقد هست که زنا با چهار بار اقرار ثابت می شود مشروط بر آن که مقرر کامل باشد یعنی بالغ، عاقل و با اختیار باشد و آزاد باشد و یا مولا او را در آن چه بدان اقرار کرده است تصدیق کند. چون تنها مانع نافذ بودن اقرار بنده به زنا آن هست که اقرار او اقرار در حق مولایش باشد.

### ۳- انکار بعد از اقرار

چنانچه متهم اقرار به زناي موجب سنگسار کند و بعد از تمام شدن اقرار به حد نصاب، آن را انکار نماید، سنگسار نمی شود و انکار وی در این مورد موجب سقوط رجم است و دلیل مسئله را اجماع گرفته اند ولی ظاهراً این اجماع، مستند به اخبار مستفیضه در مسئله است که از آن جمله بیان امام صادق علیه السلام در خبر محمد بن مسلم است: «مَنْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ أَقْمَتَهُ عَلَيْهِ، إِلَّا الرَّجْمَ فَإِنَّهُ إِذَا أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ ثُمَّ جَحَدَ لَمْ يُرْجَمَ». ترجمه: «کسی که اقرار به حدی علیه خود نماید آن حد را بر وی اقامه می کنم مگر اقرار به رجم که اگر کسی اقرار به موجب رجم نماید و سپس انکار کند رجم نمی شود» (حرعاملی، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

آیا اقرار به عملی که موجب قتل است - مثل زناي با محارم و سپس انکار کند، می توان چنین فرضی را به حکم رجم الحاق نمود و فتوی به سقوط حد قتل داد یا نه؟ نظر امام خمینی رحمه الله علیه در این مورد چنین هست «چنانچه کسی به عملی که موجب رجم هست اقرار کند سپس انکار نماید، رجم از او ساقط است، و اگر به چیزی که کیفر رجم ندارد اقرار کند با انکار کیفر غیر رجم ساقط نمی شود و احتیاط این است که اقرار به موجب قتل به موجب رجم الحاق شود، پس اگر به عملی که کیفر آن قتل است اقرار کند سپس منکر شود محکوم به قتل نخواهد بود». چنان چه در متن فوق آمده در کلام امام (ره) اقرار به عملی که موجب رجم نیست، با انکار، کیفر چنین عملی ساقط نمی شود، این فتوای مشهور است و مطابق قاعده ی: «عدم سماع انکار بعد از اقرار» است. محقق حلی (ره) در این مورد بیان داشته است که اگر اقرار به امری کند که موجب رجم است و سپس آن را انکار نماید، رجم ساقط است ولی اگر اقرار به حدی غیر از رجم کند و سپس انکار نماید، حد ساقط نمی شود. در میانی تکمله المنهاج بیان گردیده: «لواقر شخص بما یوجب رجمه، ثم انکر؛ سقط عنه الرجم دون الحد، و لو اقر بما یوجب الحد غیر الرجم، ثم انکر لم یسقط» (خوئی، ۱۴۰۶، ص ۲۱۴).

یعنی: «اگر شخصی اقرار کند به آنچه را که موجب رجم است و سپس انکار نماید رجم از او ساقط می شود نه حد دیگری، و اگر اقرار کند به آن چه را که موجب حدی غیر از رجم است، سپس آن را انکار نماید، از او ساقط نمی شود» (همان: ۲۱۵).

### ۴- توبه ی بعد از اقرار

چنان چه متهم اقرار به حدی از حدود نماید و پس از اقرار توبه کند امام مخیر است بین اجرای حد و بین عفو و در حد فرقی بین تازیانه و سنگسار نیست و دلیل مسئله را اجماع دانسته اند ولی ظاهراً مدرک اجماع مذکور روایاتی است که مورد عمل و افتاء واقع شده از آن جمله خبری است که نقل می شود: جاء رجلٌ إلى امیر المؤمنین علیه السلام فأقر بالسرقه فقال: أتقرأ شیئاً من القرآن؟ قال: نعم سورة البقرة، قال: وهبت يدك لسورة البقرة، فقال الأشعث: أتعطيلُ حدًا من حدود الله؟ فقال: ما يدريك يا هذا إذا قامت البيئنة فليس للإمام إن يعفو، و إذا أقر الرجلُ على نفسه، فذاك إلى الإمام إن شاء عفا و إن شاء قطع.

ترجمه: «مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید و اقرار به دزدی کرد، امام فرمودند: آیا چیزی از قرآن را می توانی قرائت کنی؟ عرض کرد: بلی، سوره ی بقره را، فرمودند: دستت را به سوره ی بقره بخشیدم. اشعث عرض کرد: آیا حدی از حدود خدا را تعطیل می کنی؟ فرمودند: تو چه می دانی وقتی که بیئنه بر حدی اقامه شد، امام اختیار بخشش را ندارد، ولی اگر با اقرار به ثبوت رسید امام مخیر است بخشد و بخواد قطع می کند» (مصری، ۱۴۱۵ق: ۲۲۹).

نظر صاحب شرایع الاسلام در این مورد این است که اگر مقرر به حدی اقرار کند و سپس توبه نماید امام مخیر است در اقامه ی حد اعم از این که رجم باشد یا جلد. نظر امام خمینی (ره) در این مورد هم قابل توجه است که می فرمایند: «اگر اقرار به حدی کند و سپس توبه کند امام علیه السلام حق دارد که او را عفو کند، همچنان که حق دارد حد را بر او جاری کند اعم از این که حدش سنگسار باشد یا غیر از آن». (امام خمینی (ره)، همان، ص ۴۶۰). در میانی تکمله المنهاج نیز آمده است: «لواقر بما یوجب الحد الرجم او حد کان للامام (ع) العفو و عدم اقامه الحد علیه و قیده المشهور بما اذا تاب المقر و دلیل غیر ظاهر» بدین معنا که اگر اقرار کند به آن چه که موجب حد رجم یا جلد است امام می تواند او را عفو کند و بر او حد اقامه نکند مشهور گفته اند مقصود وقتی است که مقرر توبه کند و گفته است که دلیل آن غیر ظاهر است. شهید ثانی در این مورد می فرمایند: هرگاه توبه حتمیت کیفر شدید مقرر را ساقط می کند به طریق اولی حتمیت کیفر خفیف تر را ساقط خواهد کرد.

**بند دوم: شهادت شهود**

یکی از ادله ی اثبات زنا مستوجب رجم گواهی یا شهادت شهود می باشد. در قلمرو امور کیفری کسی که از وقوع جرم و اوضاع و احوال مربوط به آن خبر می دهد گواه نامیده می شود می توان گفت: «شهادت نوعی تکلیف هست با ضمانت اجرای گناه کبیره و حرمت عدم انجام آن» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ص ۳۴۶).

شهادت بر دو گونه هست. شهادت یا عینی هست و یا سمعی، در صورتی که اطلاع از جرم به وسیله ی حس بینایی باشد خبر دهنده را شاهد عینی می نامند، در صورتی که به وسیله ی حس شنوایی باشد او را شاهد سمعی می گویند و شهادتی که در اینجا مورد بحث است، شهادت عینی است نه سمعی که در ادامه به بررسی شرایط آن پرداخته خواهد شد.

**۱- کمیت و کیفیت شهادت**

فقه‌های اسلام یکی از ادله ی اثبات زنا مستوجب کیفر رجم را شهادت می دانند که برای شهود و نحوه و کمیت و کیفیت آن ها، شرایطی ذکر کرده اند که به بررسی آن ها پرداخته می شود. فقه‌های اسلام اعم از شیعه و سنی معتقدند که زنا با شهادت چهار مرد واجد شرایط شهادت به ثبوت می رسد و دلیل معتبر آنها آیه ی پانزدهم سوره ی مبارکه ی نساء هست که می فرماید:

«وَاللّٰتِیْ یَأْتِیْنَ بِفَاحِشَةٍ مِّنْ نِّسَائِكُمْ فَاِستَشْهَدُوْا عَلَیْهِنَّ اَرْبَعَةً مِّنْکُمْ» ترجمه: «از زنان آنهایی که مرتکب عمل شنیع زنا می شوند برای ثبوت آن، لازم است چهار مرد از شما متصدی شهادت و گواهی بر آنان شوند» پس طبق آیه برای اثبات زنا شهادت چهار مرد لازم است که اگر سه نفر باشند زنا ثابت نمی شود و آن سه نفر حد قذف بخورند که هشتماد تازیانه است. بلی اگر خود زن اقرار به زنا کرد باید چهار مرتبه اقرار کند تا زنا ثابت شود که اگر سه مرتبه اقرار کرد زنا ثابت نمی شود «فاستشهدوا عَلَیْهِنَّ اَرْبَعَةً مِّنْکُمْ» پس به حکم شریعت اسلام طلب گواهی کنید بر فعل ایشان چهار مرد عاقل و بالغ و عادل را که از جمله ی مؤمنان باشند تا بر عمل باید رجم بشود (میر خانی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۹ و ۱۸۸).

طبق فتوای مشهور فقه‌های شیعه که مستند به روایات ائمه ی اهل بیت علیهم السلام است، زنا با گواهی سه مرد و دو زن نیز ثابت می شود علیهذا کیفر زنا چه تازیانه چه سنگسار چنانچه با گواهی چهار مرد به ثبوت می رسد با گواهی سه مرد و دو زن نیز ثابت می گردد، و روایات مورد استناد مشهور بالغ بر حد استفاضه است. حلبی در خبر صحیح از امام صادق علیه السلام می گوید: سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ فِي الرَّجْمِ، فَقَالَ: إِذَا كَانَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَ امْرَأَاتٍ، وَ إِذَا كَانَ رَجُلَانِ وَ اَرْبَعُ نِسْوَةٍ لَمْ تَجُزْ فِي الرَّجْمِ» (حرعاملی، ۱۳۹۱: ۲۲۳).

ترجمه: «از امام صادق علیه السلام درباره ی شهادت زنان در کیفر رجم پرسیدم فرمودند: در صورتی که سه مرد و دو زن باشند، ولی اگر دو مرد و چهار زن باشند در رجم کافی نیست». محمدبن فضیل به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ - إِلَى أَنْ قَالَ - لِإِمَامٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي جَوَابِهِ - تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي حَدِّ الزَّانَا إِذَا كَانَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَ امْرَأَاتٍ، وَ لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ وَ اَرْبَعُ نِسْوَةٍ فِي الزَّانَا وَ الرَّجْمِ»

ترجمه: «آیا شهادت زنان نافذ است - خبر طولانی است تا آنجایی که امام علیه السلام در پاسخ وی فرموده: گواهی زنان نافذ هست در حد زنا در صورتی که سه مرد و دو زن باشند و گواهی دو مرد و چهار زن در زنا و رجم نافذ نیست».

محقق حلی (ره) در شرایع، شهادت چهار مرد را در اثبات زنا کافی می داند یا شهادت سه مرد و دو زن و معتقد هست که شهادت زنان به تنهایی قابل پذیرش نیست و شهادت دو مرد و چهار زن فقط جلد را ثابت می کند نه رجم و اگر کمتر از چهار نفر شهادت بدهند حد واجب نمی شود و هر کدام نیز حد می خورند (حلی، ۱۴۱۹: ۲۹۹).

شهید ثانی در خصوص شهادت و کمیت و کیفیت آن می فرماید: که نصاب معتبر در شهادت بر زنا عبارت است از چهار مرد یا سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن، اگر چه در صورت اخیر تنها تازیانه ثابت می شود نه سنگسار؛ و اگر شهود کمتر از حد نصاب معتبر باشد تازیانه می خورند به خاطر دروغ بزرگ زیرا خداوند متعال کسی را که نسبت زنا به مسلمانی داده و در عین حال شهود لازم را برای اثبات زنا نیاورده است دروغگو خوانده است و شهود باید زنا را مشاهده کنند (همچون داخل کردن میل در سرمه دان) و همچنین شرط است که شهود هنگام اقامه ی شهادت جمع باشند و یکباره شهادت دهند. در خاتمه بحث مربوطه، به نظر امام خمینی (ره) در این مورد هم اشاره می کنیم. نظر امام (ره) مبنی بر این بود که: «آن چه را که در زنا معتبر هست آن هست که شهود کمتر از چهار نفر مرد و یا سه نفر مرد و دو زن نباشد در غیر این صورت خود شهود باید حد بخورند در مورد کیفیت شهادت آمده است که شهود باید تصریح کنند بر این که ما دیدیم که آلت این مرد آن طوری که میل در سرمه دان می رود به داخل فرج این زن می رفت یا بیرون می آمد بدون این که بین آنها عقدی بسته شده باشد و یا کسی او را بر این کار اکراه کرده باشد یا شبهه ای در میان باشد و در مسئله ی یازدهم تحریرالوسیله بیان داشته اند که شهادت بر وقوع زنا به مثل میل در سرمه دان به طور مطلق یعنی بدون ذکر زمان و مکان و خصوصیات دیگر کافی است ولی

خود شهود به ذکر خصوصیات پرداختند اگر اختلافی در ذکر خصوصیات نباشد مسئله ندارد اما اگر اختلاف باشد در ذکر خصوصیات، شهادتشان پذیرفته نیست و حدی جاری نمی شود و خود شهود حد قذف می خورند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹، ص ۴۶۲ و ۴۶۱).

در نهایت اینکه فقهای امامیه در نصاب لازم جهت اقامه ی بینه می توان گفت اتفاق نظر دارند.

## ۲- علت عدم تساوی تعداد گواه زن نسبت به مرد

در فقه، حقوقی که با شهادت اثبات می شوند به دسته های ذیل تقسیم می شوند. بعضی از حقوق با شهادت چهار مرد ثابت می شود و آنها عبارتند از: زنا، لواط، سحر و در زناهی که موجب سنگسار کردن می شود. شهادت سه مرد و دو زن و در زناهی موجب تازیانه، شهادت دو مرد و چهار زن کفایت می کند و بعضی از حقوق به وسیله ی شهادت دو مرد ثابت می شود که عبارتند از: مرتد شدن، قذف، شرباخواری، حد سرق، زکات، خمس، نذر و کفاره، اسلام، بلوغ، ولأء، تعدیل، جرح شاهد، عفو کردن از قصاص، طلاق، وکالت، وصیت به شخص، نسب و هلال و پاره ای از حقوق به وسیله ی شهادت دو مرد و یک مرد و دو زن و یا شاهد همراه با قسم ثابت می شود مانند دیون، اموال و جنایاتی که موجب دیه می شود. برخی از حقوق هم با شهادت مردان و هم با شهادت زنان - جدای از مردان - ثابت می شود مانند ولادت، گریه ی اول بچه و زنده به دنیا آمدن فرزند و عیب های باطنی زنان (که مانع آمیزش است)، شیردادن و وصیت به اموال و برخی از حقوق با شهادت زنان همراه با شهادت مردان ثابت می شوند که عبارتند از: دیون و اموال (شهید اول، ترجمه شیروانی و غرویان، ص ۱۹۱ و ۱۹۰). با توجه به این دسته بندی ها شهادت زنان به جز در حد زنا پذیرفته نمی شود و در سایر موارد شهادت زنان یا به تنهایی یا به همراه مردان پذیرفته می شود علت عدم پذیرش شهادت زنان در حدود (به جز حد زنا) این است که شارع مقدس اهتمام خاصی را به موضوع حدود و قصاص دارد و شرایط سختی را برای اثبات آنها پیش بینی کرده است زیرا در این موارد موضوع خون و جان مردم مطرح است و کوچکترین اشتباهی در این زمینه قابل پذیرش نیست همچنین با توجه به قاعده ی «درء» در هر کجا که احتمال خطا و اشتباهی وجود داشته باشد به عبارت دیگر محل شبهه باشد حکم به سقوط حد و قصاص می شود و از طرفی امکان خطا و اشتباه در شهادت زنان یا به دلیل غلبه ی فراموشکاری و یا به دلیل غلبه ی احساسات در آنها است و به همین دلیل نمی توان شهادت آنها را برای اثبات حد و قصاص که با اندک شبهه ای حکم به سقوط آنها داده می شود مورد پذیرش قرار داد و پذیرش آنها خلاف قاعده ی «درء» است (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۱۹).

## ادله ی اثبات زنا مستوجب رجم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در خصوص موضوع رجم قانونگذار در چند مواد اشاره هایی به رجم نموده که ابتدا به بیان آن مواد خواهیم پرداخت: ماده ۱۳۲- در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می شود.

تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می شود.

تبصره ۳- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می شود.

تبصره ۴- چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجراء می گردد.

ماده ۱۷۳- انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمیکه مجازات آن موجب رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می گردد.

ماده ۲۲۵- حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر اینصورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد.

ماده ۲۲۶- احصان در هر یک از مرد و زن به نحو زیر محقق می شود:

الف احصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قُبُل را با وی داشته باشد.

ب - احسان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قُبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قُبُل را با شوهر داشته باشد.

ماده ۲۲۷- اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می گردد مانند ایدز و سفلیس، زوجین را از احسان خارج می کند.

بر خلاف تصور برخی مجازات رجم از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ حذف نشده است. قانونگذار در ماده ۲۲۵ قانون جدید صراحتاً آورده است که: حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. البته در ادامه این ماده تغییرات جدیدی را شاهد هستیم به این صورت که در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد.

بدین ترتیب: (ولیدی، ۱۳۷۱: ۲۶۰)

۱- مجازات اصلی و اولیه زانی محصن و محصنه مانند قانون سابق (مصوب ۱۳۷۰) رجم می باشد.  
۲- ممکن است تحت شرایطی مجازات رجم قابل اجرا نباشد. به نظر می رسد منظور قانونگذار از این عبارت (عدم امکان اجرای رجم) تلطیف مقررات مربوط به مجازات رجم با توجه به اسناد حقوق بشر و فشارهای بین المللی باشد. ضمن اینکه نظر برخی از فقهای معاصر در توصیه به عدم اجرای مجازات رجم در حالتی که موجب وهن اسلام است، مد نظر قانونگذار بوده است. در کل عبارت عدم امکان اجرا بسیار مبهم می باشد!

۳- ظاهراً تشخیص عدم امکان اجرا ابتدائاً با قاضی صادرکننده حکم قطعی می باشد.

۴- درخواست عدم امکان اجرا بعد از تشخیص قاضی صادرکننده حکم قطعی، باید به رییس قوه قضاییه ارسال و به موافقت ایشان برسد.

۵- پس از تائید عدم امکان اجرا توسط ریاست قوه قضاییه، چند حالت قابل بحث است:

الف - زانی محصن با اقرار ثابت شده باشد: در این حالت مجازات مرتکب (زانی یا زانیه) صد ضربه شلاق حدی خواهد بود.  
ب - زانی محصن با بینه ثابت شده باشد. ظاهراً منظور از بینه مجموع شهادت های لازم برای اثبات جرم زانی محصنه می باشد که طبق ماده ۱۹۹ جدید شهادت ۴ مرد عادل یا شهادت ۳ مرد عادل به علاوه ۲ زن عادل می باشد. در این حالت مجازات زانی یا زانیه اعدام خواهد بود.

ج - زانی محصن با علم قاضی ثابت شده باشد: با توجه به منطوق ماده ۲۲۵ در این خصوص نیز باید قائل به عدم اعدام و جاری شدن صد ضربه شلاق بر مرتکب شد.

۶- دلیل مجازات اعدام در بحث بینه مبانی فقهی موضوع می باشد که بعد از اثبات زانی محصن با شهادت شهود، امکان انکار یا فرار از گودال که موجب سقوط رجم می شود، وجود ندارد. و در هر حال باید از مرتکب به طریق رجم سلب حیات شود. برای همین قانونگذار نتیجه مجازات رجم در این حالت را که اعدام می باشد، به طریق دیگری غیر از رجم تجویز نموده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۵۴).

بدین ترتیب قانونگذار در قانون جدید اصل را بر اجرای مجازات رجم در مورد زانی محصن و محصنه قرار داده است که قاضی صادرکننده حکم قطعی تحت شرایطی مبهم می تواند با موافقت رئیس قوه قضاییه در شکل این مجازات تغییراتی به شرح موارد فوق ایجاد نماید.

#### بند اول: نظر مراجع معظم در خصوص تغییر در قانون جدید:

- آیت الله العظمی نوری همدانی: «در فرض سوال، همانطور که قبلاً هم جواب داده ایم حکم الهی تغییرپذیر نیست و کیفیت اجرای آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد.»

- آیت الله العظمی مکارم شیرازی: «ما قبلاً نیز گفته ایم که در شرایط فعلی می توان جایگزین کرد.»

- آیت الله العظمی جعفر سبحانی: «اگر حاکم شرع احساس کرد اجرای حکم به این شیوه مشکلاتی دارد می تواند به نحو دیگری اجرای حد کند. والله العالم.»

- آیت الله العظمی موسوی اردبیلی: «مجازات رجم قابل تغییر نیست ولی چنانچه اجرای آن برخلاف مصالح اسلام و مسلمین باشد فقیه جامع الشرایط می تواند حکم به عدم اجرای آن بدهد.»

- آیت الله العظمی علوی گرگانی: «در صورتی که حاکم شرع تشخیص دهد که اجرای این حکم موجب وهن اسلام و بی احترامی به آن است و موجب ضرر به اصل دین است می تواند آن را تغییر دهد اما اصل حکم سنگسار در فقه اسلام ثابت است، حتی اگر به طور صریح در قرآن ذکر نشده باشد و اصل این حکم تغییرناپذیر است.»



**بند دوم: برخی دیدگاه‌های مخالف**

البته به اعتقاد برخی صاحب نظران متأخر دینی در دوران اخیر «الف» و «لام» وارده بر سرمبتدا (الزانی و الزانیه) موجب افاده حصر می شود و تخصیص بردار نیست. یعنی کیفر زنا در قرآن فقط ۱۰۰ تازیانه است و با حکم دیگری تخصیص نمی خورد و اگر قانونگذار می خواهد کیفری را در قرآن بیان کند که عمده قوانین ما هست، نمی آید کیفر ضعیف تر را اول بیان کند و بعد با سنت مسئله رجم را بگوید. این مسئله به اعتقاد قائلین به این رأی مستبعد و مستهجن است کهنای عقلا آن را نمی پذیرد. (موسوی بجنوردی، روزنامه شرق، ۷ مرداد ۸۶) بعضی از مخالفین دیگر اختصاص آیه ۲ سوره نور به افراد غیرمحسن، که قائل به عمومیت مجازات ۱۰۰ تازیانه برای زناکاران اعم از محسن و غیرمحسن اند، در تأیید نظر خود به آیه ۲ سوره احزاب و ۲۵ سوره نساء استناد میکنند که مجازات زنا افراد مورد نظر که محسنه اند ۲ برابر و نصف حد محسنه آزاد دانسته شده و این زمانی موضوعیت دارد که میزان مجازات، ۱۰۰ تازیانه باشد که دو برابر و نصف آن مشخص است؛ والا در مورد رجم که نمیتوان آن را دو برابر یا نصف کرد (جبعی عاملی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

اول: یا نساء النبی من یات منکن بفاحشه میبینه فضعف لها العذاب ضعفین و کان ذلک علیالله یسیرا (احزاب، ۳۰) ای همسران پیامبر هر که از شما مرتکب گناه آشکار شود، مجازات او دوچندان خواهد بود. این بر خدا آسان است. گفته می شود منظور از فاحشه میبینه، زنا است.

دوم: فاذا احصن فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات من العذاب ذلک لمنخشی العنت منکم و ان تصبروا خیر لکم والله غفور رحیم (نساء، ۲۵) ... اگر آن زنان (اسیران جنگی) در حصار ازدواج قرار گرفتند و مرتکب بیشتر می شدند، مستوجب نصف کیفر زنان آزاد هستند. به این ترتیب اگر واحد مجازات مشخص نباشد، دو برابر و نصف بودن بی معنا و لغو است و البته کار لغو از خدای تعالی نشاید.

**مبحث سوم: موانع اجرای رجم****گفتار اول: موانع موجب تأخیر اجرای رجم**

گاهی اوقات پس از ثبوت جرم با طرق شرعی و صدور حکم قانونی، موارد یا موانعی موجب می شود که اجرای حکم محکومیت به رجم برای مدت موقت و فراهم شدن شرایط اجرا، به تأخیر بیفتد. این موارد و موانع عبارتند از:

**بند اول: موانع مخصوص زنان (بارداری، نفاس و شیردهی محکوم)**

«بر زن حامله حد جاری نمی شود تا اینکه وضع حمل نموده و از نفاس خارج شود و بچه اش را شیر دهد و به وضعیتی برسد که اتفاقی برای او نیفتد و اگر کفیلی برای او پیدا شود، اجرای حد جایز نیست.»  
از امام صادق (ع) در خصوص رجم زن حامله سؤال شد که آن حضرت در جواب فرمودند: «صبر کنند تا آنچه که در شکم دارد، وضع نماید و فرزندش را شیر بدهد آنگاه رجمش نمایند» (نجفی، ۱۳۶۵: ۲۰۹).  
حتی اگر احتمال حاملگی زن هم داده شود، در این صورت هم رجم اجرا نخواهد شد. یعنی اگر زنی علامت حاملگی در او ظاهر نشده باشد، ولی او ادعای حاملگی داشته باشد، این ادعای او مورد قبول واقع شده و رجم به تأخیر می افتد (هندی، ۱۴۲۴: ۱۳۹).

در وسایل الشیعه در خصوص اجرای حد بر بیمار و زن باردار آمده است: «اگر مجرم بیمار است تا زمان بهبودیش اجرای حد به تأخیر می افتد» (حرعاملی، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

و در جای دیگر در خصوص رجم زن حامله حدیث امام صادق (ع) ذکر گردید (همان: ۱۵۷).

اگر باردار است، تا زمان وضع حمل و بعد از آن تا زمان شیرخواری کامل کودک به تأخیر می افتد.

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مطابق با این نظر فقهی تدوین شده و مقرر می دارد: «در ایام بارداری و نفاس زن، حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود، حد جاری نمی شود، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود، حد جاری می گردد.»

**بند دوم: اجتماع حد جلد با حد رجم**

اجرای حدی از حدود الهی نباید زمینه ی اجرای حدی دیگر را از بین ببرد. اگر کسی به حد تازیانه و رجم محکوم شود، نباید ابتدا رجم را جاری ساخت، چون که زمینه ی اجرای تازیانه را از بین می برد و به همین لحاظ تا زمان اجرای حد تازیانه، اجرای رجم به تاخیر خواهد افتاد. صاحب جواهر و شرایع اسلام در این خصوص می فرمایند: «اگر چند حد با هم جمع گردند، اول حدی اجرا می شود که زمینه اجرای حد دیگر را از بین نبرد» (نجفی، ۱۳۶۵: ۱۲۳).

در تحریر الوسیله هم شبیه همین نظر آمده است. علاوه بر آن، پس از اجرای جلد هم نظر برخی از فقها مانند صاحب جواهر این تردید را نموده اند که نباید بلافاصله رجم را اجرا نمود و دلیلشان نیز نحوه ی اجرای حدود الهی توسط حضرت امیر (ع) می باشد که شراحه را روز پنجشنبه تازیانه زده و روز جمعه رجمش نمود. حتی در مختلف الشیعه نیز از قول ابوالصلاح آمده است: «مهلت دهند تا آثار تازیانه از بین برود و بعد او را رجم نمایند تا بمیرد» (حلی، ۱۳۷۶: ۱۶۵). در مختلف الشیعه هم این نظر ذکر شده که «یعنی پس از اجرای تازیانه باید او را رها سازند تا جای تازیانه بر طرف شود و بعد از آن رجم را اجرا نمایند» (همان: ۱۶۷).

قانون مجازات اسلامی هم به این موضوع توجه و در ماده ی ۹۸ مقرر داشته است: «هر گاه شخصی محکوم به چند حد شود، اجرای آن ها باید به ترتیبی باشد که هیچ کدام از آن ها زمینه دیگری را از بین نبرد، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود، اول باید حد جلد و بعد حد رجم را جاری ساخت.

گرچه ای ن ماده ی قانونی میزان تأخیر را بیان نکرده است، اما همینکه تا قبل از اجرای حد جلد، اجازه ی اجرای رجم را نداده است، خود گویای جواز تأخیر اجرای رجم می باشد. فردی که به حد جلد و رجم محکوم شده، ممکن است حکم رجم او به مرحله ی قطعی رسیده باشد ولی حد جلد او هنوز در مرحله ی رسیدگی مجدد قرار داشته باشد، به همین لحاظ باید اجرای رجم را تا زمان مشخص شدن وضعیت حکم جلد، به تعویق انداخت.

**بند سوم: جنون و مستی**

جنون علی الاصول، مانع اجرا و مسقط کیفر نمی باشد. جنون در حین ارتکاب جرم، باعث معافیت از تعقیب کیفری است. همچنین اگر در حین ارتکاب جرم عاقل بوده، ولی در مرحله رسیدگی و قبل از صدور حکم، جنون حادث شود، رسیدگی تا زمان افاقه، به تعویق می افتد (نجفی، ۱۳۶۵: ۱۷۰).

اما اگر پس از صدور حکم و لازم الاجرا شدن آن، فرد دچار جنون شود، در اجرای حکم این تردید ایجاد می شود که اگر بازدارندگی و عبرت گیری را هدف مجازات بدانیم، یعنی بازداشتن مرتکب از تکرار جرم و بازداشتن دیگران از ارتکاب جرم از طریق عبرت آموزی منظور کیفر باشد، در این صورت، دیگران که شاهد اعمال کیفر نسبت به دیوانه ای هستند، نه تنها ترس و عبرتی واقع نمی شود، بلکه ممکن است حس ترحم و نودوستی آنان نسبت به مجنون بیشتر برانگیخته شود و شاید بهتر باشد که اجرای حد تا زمان افاقه ی او به تأخیر بیفتد.

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله، جنون را نه تنها موجب سقوط نمی داند، بلکه جنون ادواری را هم موجب تأخیر اجرای رجم نمی داند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در واقع در خصوص رجم موضوع اصلاح محکوم و جلوگیری از تکرار جرم توسط او غالباً منتفی است، چون معمولاً با اجرای رجم، فرد دیگر زنده نخواهد ماند تا اصلاح وی مطرح باشد. مگر اینکه زنا ی محصنه با اقرار فرد به اثبات برسد و او موفق به فرار از گودال شود، که در این صورت میتوان اصلاح او را هم مد نظر قرار داد. لذا با توجه به دلایل ذکر شده، تأخیر در اجرای حکم تا زمان افاقه ی او شایسته تر به نظر می رسد. مگر اینکه اصلاً امیدی به بهبودی او نباشد. علت این نتیجه گیری نیز آن است که فرد مجنون توان تصمیم گیری برای فرار از گودال را ندارد و ممکن است تضییع حقی صورت گیرد و این بر خلاف شریعت اسلام است (خمینی، ۱۳۶۹: ۸۰).

## نتیجه گیری

در خصوص ادله و مستندات حکم رجم باید گفت که سنت روایی و عملی معصومین علیهم السلام و اجماع قطعی و مسلم فقها اعم از شیعه و سنی از ادله‌ی رجم در فقه امامیه می باشد و رجم مستند قرآنی ندارد چرا که در قرآن، مستقیماً چیزی درباره‌ی رجم نیامده است و از طرفی هم، قرآن دلیل منحصر به فرد در فقه اسلامی نیست و ما بسیاری از قانونگذاری‌های مربوط به جرائم را از سنت اخذ کرده‌ایم همچنان که خداوند در سوره حشر، آیه ۷ می فرماید: «هر آن چه رسول به شما داده بپذیرید و هر آن چه از آن نهی کرده اجتناب کنید.» که خود این آیه دلالت دارد بر این که لزوم تبعیت از فعل و گفتار پیامبر (ص) در همه احکام و فرامین در حکم تبعیت از کلام خداوند است.

در خصوص احکام حکومتی باید گفت احکام حکومتی شعبه‌ای از احکام شرعی محسوب می‌گردد ولی قبل از هر چیز باید گفت حکومت اسلامی دو وظیفه اصلی را بر عهده دارد؛ یکی اجرای عدالت و احیاء و گسترش آن و ایجاد محیط سالم برای بندگی خداوند و دیگری تربیت صحیح افراد و ایجاد رابطه میان انسان و بندگی خداوند و تقرب به او و معیار اصلی برای تشخیص عدالت واقعی، بنابر تصحیح نصوص شرعی، اجرای دقیق مقررات و قوانین اسلام است و حکومت اسلامی باید در درجه اول زمینه‌های ارتکاب جرم را از بین ببرد مثلاً زمانی که اعمال منافی عفت را انجام می‌دهند باید بسترهای لازم را برای ازدواج آنها فراهم کند. و اگر زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه فراوان باشد و برای رفع آن از سوی حکومت اسلامی اقداماتی صورت نگیرد اجرای حد نه تنها مصلحتی ندارد، بلکه شاید از موارد شبهه هم باشد. از سوی دیگر زمان و مکان در اجرای حدود نقش تعیین کننده‌ای دارد فلذا در صورت تراحم مصلحت اجرای حد با مصلحت اهم، ممکن است حد موقتاً تعطیل شود یا به کیفیت دیگری اجرا شود یا اصلاً اجرا نشود. اما تشخیص مصلحت اهم بر عهده‌ی فقیهان و اسلام شناسان آگاه به زمان باید باشد تا از یک سو روح مقررات دین را بشناسند و از جانب دیگر به مقتضیات زمان آگاهی داشته باشند و در تشخیص مصلحت اهم، نباید تحت تاثیر فشارها و تلیغات دشمنان اسلام قرار گیرند چرا که پیامبر (ص) فرموده اند: «و لا تخافوا فی الله لومة لائم».

- بر اساس برخی روایات وارده و نظر جمعی از فقها و مراجع عظام که در متن به برخی از آنها اشاره شد، هر چند حد زنا محصنه در اسلام سنگسار است، ولی اجرای آن در عصر معصوم موضوعیت دارد و مجاز دانسته شده است. براساس این نگرش در عصر غیبت، مجرمین را به جای سنگسار به نحوی دیگر نیز می‌شود تأدیب و تنبیه نمود. ضمن این که احکام ثانویه این قدرت را در فقه ایجاد کرده که بتوان از ابزارهای مختلف، متناسب با مصالح استفاده کرد.

- مطابق بند ۲ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران بدون حق شرط به آن پیوسته است، صدور حکم اعدام منحصراً برای جرایم خیلی سنگین و شدید مجاز است. براساس ماده ۷ همین میثاق و ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزار و شکنجه و مجازات و رفتارهای خلاف شئون انسانی ممنوع است. (مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، ۵۹ - ۶۰) بر این اساس، تعهدات بین المللی ایران حکم می‌کند که در صورت توقف مجازات سنگسار با توجه به توضیحات پیش گفته برآید.

- و بالاخره با توجه به شرایط خاص بین المللی و مشکلات فزاینده کشور، به نظر می‌رسد هر چه از میزان حساسیت‌های بین المللی کاسته شود، مجال رشد و توسعه کشور بیشتر فراهم خواهد گردید اجرای احکام جایگزین سنگسار یکی از موضوعاتی است که می‌شود با عنایت به نظرات فقهی - حقوقی جدید، موجب کاهش حساسیت‌ها شود.

## منابع و مراجع

۱. آقای جنت مکان، حسین، ۱۳۹۲، حقوق کیفری عمومی (کیفر شناسی نو)، جلد سوم، انتشارات جنگل، چاپ دوم، تهران.
۲. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی (جلد نخست) نشر میزان، چاپ سی و سوم.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۶. ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۴. خمینی (ره)، سید روح الله. ۱۳۶۹. صحیفه نور. جلد ۲۰ و ۲۱ و ۲۲. انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن. ۱۳۹۱ وسائل الشیعه. چاپ چهارم. مجلدات ۳ و ۵ و بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۶. حلّی، حسن بن یوسف. ۱۴۱۹ق. قواعد الاحکام، جلد ۳، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۷. جبعی العاملی، زین الدین بن علی، (شهیدثانی)، ۱۳۸۷، شرح لمعه دمشقیه (الروضه البهیة)، جلد ۱۳ ترجمه علی شیروانی. قم.
۸. زراعت، عباس، ۱۳۹۳، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلد اول، چاپ شمشاد، چاپ سوم، تهران.
۹. سبزواری، سید محمدباقر، ۱۳۶۲، ترجمه و تصحیح النهایه فی مجردالفقه والفتاوی، جلد ۲ تهران.
۱۰. سرخسی، شمس الدین، ۱۴۰۶ق. المبسوط، جلد ۹، دارالمعرفه، بیروت.
۱۱. شامیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۲، حقوق جزای عمومی، جلد ۱ و ۲، تهران.
۱۲. شمس، عبدالله، ۱۳۸۸، ادله اثبات دعوی، تهران.
۱۳. عالیخانی، محمد. ۱۳۷۴. حقوق اساسی. چاپ اول. انتشارات دستان.
۱۴. گلدوزیان، ایرج. ۱۳۸۴. ادله اثبات دعوا. چاپ دوم. انتشارات میزان.
۱۵. محمدی گیلانی، محمد. ۱۳۶۱. حقوق کیفری در اسلام. چاپ اول. انتشارات المهدی.
۱۶. مصری، سید سابق. ۱۴۱۵ ه. ق. فقه السنه. جلد دوم. بیروت: انتشارات دارالفکر.
۱۷. میرخانی، احمد. ۱۳۷۰. آیات الأحکام فارسی. انتشارات مؤسسه خیریه مکتب ولی عصر.
۱۸. نجفی، محمدحسن. ۱۳۶۵. جواهرالکلام فی شرایع الاسلام. جلد چهارم. تهران: انتشارات دارالکتاب السلامیه.
۱۹. ولیدی، محمد. ۱۳۷۱. حقوق جزا (مسئولیت کیفری). چاپ دوم. مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۰. هندی، فاضل، ۱۴۲۴ق، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، جلد ۱۰، مؤسسه نشر اسلامی.